

درآمدی بر
فرهنگ و هویت ایرانی

به کوشش
مریم صنیع‌اجال

مؤسسه مطالعات ملی

۱۳۸۴

صنیع‌اجلال، مریم، ۱۳۵۷ - گردآورنده

درآمدی بر فرهنگ و هویت ایرانی / به کوشش مریم صنیع‌اجلال - تهران: موسسه مطالعات ملی، تمدن ایرانی، ۱۳۸۴.

۲۲۰۰۰ ریال

ISBN: 964-96213-0-6

۲۱۸ ص.

فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیبا.

کتابنامه: ص. [۲۰۱] - ۲۱۰.

۱. ویژگی‌های ملی ایران - مقاله‌ها و خطابه‌ها. ۲. فرهنگ ایرانی - مقاله‌ها و خطابه‌ها. ۳- ایرانیان - هویت. الف. عنوان

۹۵۵/۰۰۴۴

۹ ص ۸ / ۳۵ DSR

۱۳۸۴

۲۱۱۷-۸۴م

کتابخانه ملی ایران



انتشارات تمدن ایرانی

درآمدی بر

فرهنگ و هویت ایرانی

به کوشش: مریم صنیع‌اجلال

ویراستار: رضا خلیلی

حروفچین: محمود قره‌داغلی

طراح جلد: محمدمهدی صنعتی

ناشر: انتشارات تمدن ایرانی

لینتوگرافی و چاپ: امکان چاپ

نوبت چاپ: اول - ۱۳۸۴

شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۶۴-۹۶۲۱۸-۰-۶

قیمت: ۲۲۰۰۰ ریال

نشانی: تهران، خیابان سه‌رودی شمالی، خیابان خرمشهر، پلاک ۱۴ ص پ: ۱۸۱۵-۱۶۳۱۵

تلفن: ۸۷۴۵۳۲۸ و ۸۷۴۵۳۴۱ دورنگار: ۸۷۴۵۳۴۱

www.rinsweb.org



فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۷	سخن ناشر
۹	مقدمه
۲۱	فصل اول: هویت ملی ایرانی در گستره تاریخ / حمید احمدی
۲۱	مقدمه
۲۲	۱- هویت و ملیت ایرانی در پرتو نظریه‌های مدرن
۲۴	۲- هویت ایرانی در گستره تاریخ
۲۶	۳- ایران و هویت ایرانی در منابع کهن تاریخی
۳۵	۴- شیوه‌های نگرش به هویت ملی ایرانی در آثار کلاسیک
۴۱	۵- هویت و ملیت ایرانی؛ پدیده‌ای مدرن یا دیرین؟
۴۴	نتیجه‌گیری
۴۷	یادداشت‌ها
۵۳	فصل دوم: حوزه جغرافیایی فرهنگ و تمدن ایرانی / مهدی قریخو
۵۳	مقدمه
۵۴	۱- تعریف مفاهیم
۵۷	۲- حوزه جغرافیایی تمدن ایرانی و مسیر تحول تاریخی آن
۶۳	۳- حوزه تمدن ایرانی از منظر جغرافیای مجازی
۶۶	۴- ویژگی‌های کنونی حوزه جغرافیایی تمدن ایرانی و آینده آن
۷۱	فصل سوم: فرهنگ و هویت ایرانی در فراسوی مرزها / مهرزاد بروجردی
۷۱	مقدمه
۷۱	۱- سرشت هویت
۷۲	۲- زبان و هویت ملی
۷۴	۳- هویت ملی و زبان فارسی
۷۷	۴- هویت ایرانیان خارج از کشور
۸۳	فصل چهارم: امام خمینی و هویت ملی در ایران / یحیی فوزی
۸۳	مقدمه
۸۴	۱- هویت ملی؛ مفهومی نو
۸۵	۲- نگرش‌های مختلف به هویت ملی در ایران
۸۹	۳- امام خمینی و هویت ملی در ایران

۸۹	۳-۱- نگرش امام خمینی به "ملت" به عنوان یک واقعیت اجتماعی - سیاسی
۹۲	۳-۲- عناصر هویت ملی در ایران از دیدگاه امام خمینی
۹۴	۳-۳- اهمیت شناخت و احیای هویت ملی از دیدگاه امام خمینی
۹۶	۴- راهکارهای احیای هویت ملی از دیدگاه امام خمینی
۹۹	نتیجه گیری
۱۰۱	فصل پنجم: تحلیل جامعه شناختی هویت ملی در ایران و طرح چند فرضیه / ابراهیم حاجیانی
۱۰۱	مقدمه
۱۰۲	۱- مفهوم شناسی هویت ملی
۱۰۵	۲- ابعاد هویت ملی
۱۰۶	۲-۱- بُعد اجتماعی هویت ملی
۱۰۸	۲-۲- بُعد تاریخی هویت ملی
۱۰۹	۲-۳- بُعد جغرافیایی هویت ملی
۱۱۰	۲-۴- بُعد سیاسی هویت ملی
۱۱۱	۲-۵- بُعد دینی هویت ملی
۱۱۱	۲-۶- بُعد فرهنگی هویت ملی (میراث فرهنگی)
۱۱۳	۲-۷- بُعد زبانی و ادبی هویت ملی
۱۱۴	۳- مسائل هویت ملی در ایران
۱۱۴	۳-۱- تعریف مسئله
۱۱۶	۳-۲- ملاحظات روش شناختی
۱۱۷	۴- مسائل بُعد اجتماعی هویت ملی در ایران
۱۱۷	۴-۱- ضعف هویت جمعی و فقدان تعهدات تعمیم یافته
۱۱۸	۴-۲- ضعف اعتماد یا بی اعتمادی اجتماعی
۱۱۹	۴-۳- نارضایتی عمومی و احساس محرومیت نسبی
۱۲۰	۵- مسائل بُعد تاریخی هویت ملی
۱۲۲	۶- مسائل بُعد سرزمینی یا جغرافیایی هویت ملی
۱۲۳	۷- مسائل بُعد سیاسی هویت ملی
۱۲۵	۸- مسائل بُعد دینی هویت ملی
۱۲۶	۹- مسائل بُعد فرهنگی هویت ملی
۱۲۷	۱۰- مسائل بُعد زبانی هویت ملی
۱۲۷	نتیجه گیری
۱۲۹	فصل ششم: فرهنگ سیاسی و هویت ملی / ارسول نفیسی (گردآوری ماندانا تیشه یار)
۱۲۹	مقدمه
۱۳۰	۱- فرهنگ سیاسی چگونه پدید می آید؟
۱۳۱	۲- ارکان فرهنگ سیاسی
۱۳۳	۳- جایگاه هویت در فرهنگ سیاسی

۱۳۶	۴- ویژگی‌های فرهنگ سیاسی در ایران
۱۳۹	۵- فرهنگ سیاسی در عصر حاضر
۱۴۱	فصل هشتم: تأثیر تغییرات ساختاری و جهانی شدن بر فرهنگ سیاسی ایران / خلیل / سردارآبادی
۱۴۱	مقدمه
۱۴۲	۱- فرهنگ سیاسی؛ سطوح و انواع آن
۱۴۵	۲- جهانی شدن و انقلاب ارتباطات
۱۴۹	۳- فرهنگ سیاسی در ایران پس از انقلاب اسلامی
۱۵۰	۱-۳- فرهنگ سیاسی در دهه اول انقلاب (از ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۸)
۱۵۰	۲-۳- فرهنگ سیاسی در دهه دوم انقلاب (از ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۶)
۱۵۱	۳-۳- فرهنگ سیاسی در دهه سوم انقلاب (از ۱۳۷۶ به بعد)
۱۵۶	نتیجه‌گیری
۱۵۹	فصل نهم: تاریخ‌نگاری ایرانی و هویت ملی / روح‌الله بهرامی
۱۵۹	مقدمه
۱۶۰	۱- تاریخ‌نگاری باستانی و هویت ملی
۱۶۲	۲- تاریخ‌نگاری ایرانی و هویت ملی ایرانی - اسلامی
۱۷۱	۳- تاریخ‌نگاری، تجدد و هویت ملی
۱۸۲	نتیجه‌گیری
۱۸۷	فصل دهم: روشنفکر ایرانی و معمای هویت ملی / محمدرضا تاجیک
۱۸۷	۱- هویت ملی؛ بر ساخته عصر جدید
۱۸۹	۲- هویت ملی ایران در گفتمان تاریخی
۱۹۲	۳- روایت هویت در گفتمان روشنفکری مشروطیت
۱۹۹	۴- سرانجام روایت هویتی در انقلاب اسلامی
۲۰۱	فهرست منابع
۲۱۱	نمایه

سخن ناشر

مسئله اصلی در بررسی مقوله فرهنگ، پرسش از چستی یا به عبارت دقیق‌تر پرسش از اهمیت آن است. بررسی ادبیات علوم انسانی و اجتماعی نشان می‌دهد که یکی از پربارترین زمینه‌های نظری و پژوهشی از آن مفهوم فرهنگ و مفاهیم مرتبط با آن است. متجاوز از هزار تعریف از این واژه در اختیار است و رهیافت‌های فلسفی، مردم‌شناختی، جامعه‌شناختی، روان‌شناختی، سیاسی و همچنین ایدئولوژی‌ها و نظام‌های عقاید، با پیش‌فرض‌ها و نگرش‌های مختلف خود به طرح و تبیین این مفهوم پرداخته‌اند.

پرسش از فرهنگ، مساوی پرسش از هستی و وجود انسان بوده است. آنجا که انسان از هستی خود پرسش کرد، نظامی معنایی را بنیان گذاشت که توجیه‌گر ابعاد عینی و ذهنی حیات فردی و اجتماعی او بود؛ نظامی که در آن تعریفی از خود، هستی و جهان پیرامون و غایت آن به‌دست می‌داد. به همین دلیل است که فرهنگ و اندیشه‌ورزی و پژوهش در باب آن همواره ادامه داشته است و در روزگار کنونی نیز اهمیت ایده‌های مربوط به تبادل و منازعه فرهنگ‌ها و تمدن‌ها، در کنار مباحث محتوایی آنها، به تلاش در جهت اثبات، حفظ و حتی برتری دادن هویت‌های انسانی مربوط می‌شود؛ هویت‌هایی که هر یک بر تعریفی از انسان، حیات و جهان پیرامون او استوار است.

طبیعی است که فرهنگ‌ها نیز در عالم خود دورانی از زایش، بالندگی و افول را می‌گذرانند و در تبادل و منازعه میان فرهنگی و بین‌فرهنگی، بسیاری از فرهنگ‌ها توان مبادله و نزاع را از کف می‌دهند و در پرتو فرهنگی دیگر، دچار استحاله یا نابودی می‌گردند.

با این حال، محدود فرهنگ‌هایی در دنیای کنونی وجود دارد که علیرغم برخورداری از گذشته‌ای پرفراز و نشیب، همچنان با توان و نیرومند باشند. دلیل این توانایی بیش از هر چیز به همان ویژگی بنیادین پرسش از هستی انسان باز می‌گردد. فرهنگ‌هایی که در آن، هستی انسان و جهان پیرامون آن همواره به پرسش گرفته شده، توانسته‌اند در گذر زمان بقا و توان خود را حفظ کنند و آنها که پرسش از هستی انسان را تجدید نکرده و تجربه‌های متفاوت را نیافریده‌اند، توانایی مقابله و بقا را از کف نهاده و به خاموشی گراییده‌اند.

یکی از ویژگی‌های بارز فرهنگ ایرانی در گذر زمان، طرح مداوم پرسش از هستی انسان و معنای حیات و جهان پیرامون او بوده است. فرهنگ ایرانی از این حیث ادبیات پر بار و ژرفی در خود دارد. اندیشه‌های فلسفی، کلامی، عرفانی، ادبیات و شعر، اندیشه‌های سیاسی و معارف دینی آن بر محور چنین پرسش‌هایی بنیاد شده و تداوم یافته است.

علاوه بر این، عوامل دیگری همچون جغرافیا، تاریخ و نقش اندیشه‌گران و رهبران نیز در کنار ویژگی بنیادین پرسشگری از ماهیت انسان و معنای حیات و جهان پیرامون آن، در تداوم و بالندگی این فرهنگ نقش داشته است.

مؤسسه مطالعات ملی در راستای اهداف خود مبنی بر تقویت همبستگی ملی، اقدام به انتشار مجموعه مقالاتی در این خصوص کرده است. مجموعه حاضر، با عنوان درآمدی بر فرهنگ و هویت ایرانی، تلاشی است برای بازنمایی وجوهی از عناصر تأثیرگذار بر فرهنگ و هویت ایرانی. امید است که انتشار چنین آثاری افقی تازه را در پژوهش‌های فرهنگی و هویتی ایران بگشاید؛ پژوهش‌هایی که در جای خودش می‌تواند زمینه‌ساز تحول فرهنگی برای هویت نوین ایرانی - اسلامی باشد.

مقدمه

بقای دولت - ملت در بستری از روندهای اجتناب‌ناپذیر جهانی از قبیل جهانی شدن تولید، گسترش ارتباطات ماهواره‌ای و انفورماتیک، پیدایش دنیای مجازی و ظهور بازیگران فراملی و فروملی متعدد و متنوع، اهمیت توجه به متغیرهای بسیاری را هم در عرصه سیاستگذاری برای تصمیم‌گیران سیاسی و هم در عرصه مطالعات علمی برای پژوهشگران نظریه‌پردازان ضروری می‌نماید. به عبارت روشن‌تر، امروزه اگر دولت - ملتی به دنبال ارتقای جایگاه خود در نظام جهانی و حضور فعال و مؤثر در فرایندهای آن باشد، ناگزیر است که عوامل تأثیرگذار را چه در سطح داخل و چه در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی مورد توجه قرار دهد.

از طرفی با پیش‌رو قرار دادن نقشه جغرافیایی ایران و بررسی موقعیت حساس کشورمان از نظر ژئوپولیتیک، ژئواستراتژیک و ژئواکونومیک (به دلیل قرار گرفتن در یکی از مناطق حساس و مهم سیاسی، استراتژیک و اقتصادی جهان) لزوم توجه به همه ابعاد تأثیرگذار بر حضور فعال و قوی کشور در عرصه منطقه‌ای و جهانی آشکار می‌شود. قرار گرفتن ایران در منطقه استراتژیک خاورمیانه، وجود منابع عظیم انرژی در آن، تسلط ایران بر مرزهای شمالی خلیج فارس و دریای عمان و نیز تنگه هرمز به‌عنوان یکی از مهمترین آبراه‌های جهان، کشف ذخایر انرژی در بستر دریای خزر در شمال ایران، همسایگی با کشورهایی چون عراق و افغانستان (با توجه به حرکت جدید ایالات متحده در حمله به این دو کشور برای حضور جدید در منطقه)، نزدیکی به منطقه آسیای مرکزی و قفقاز به‌عنوان زمینه‌های بکر سرمایه‌گذاری اقتصادی، سیاسی و نظامی پس از فروپاشی شوروی و کوتاه و امن‌ترین

مسیر بودن برای انتقال انرژی از دریای خزر، نمونه‌هایی از دلایل اهمیت کشورمان در جهان می‌باشند.

از طرف دیگر یکی از مسائل مهمی که در بعد داخلی نقش شایان توجهی در این زمینه ایفا می‌کند، وحدت و انسجام ملی و وجود اهداف ملی مشترکی است که ملت ایران متحد با یکدیگر برای وصول به آن تلاش می‌کنند. بدیهی است کشوری می‌تواند در سطح بین‌المللی حضوری مؤثر و قوی داشته باشد که علاوه بر برخورداری از فرهنگی غنی و قوی، از امنیت و انسجام ملی در درون مرزها نیز برخوردار باشد. در اینجا است که نقش برجسته و مهم "هویت ملی" به‌عنوان جامع‌ترین وجه هویت‌یابی اجتماعی افراد آشکار می‌شود.

اگر هویت را به معنای هستی و وجود و نیز آنچه باعث شناسایی فرد است تعریف کنیم، این شناسایی یا در سطح فردی است و یا در سطح اجتماعی. در حقیقت در مقابل هویت فردی که ویژگی‌ها و خصوصیات منحصر به فرد اشخاص را آشکار ساخته و محصول روابط فرد با دیگران است، هویت جمعی قرار دارد که محصول عضویت فرد در گروه‌هاست. این گروه‌ها از خانواده آغاز و تا محله، شهر، قبیله، قوم و ... و در نهایت اجتماع ملی ادامه می‌یابد. در حقیقت فرد هویت‌یابی‌های اجتماعی متعددی دارد که "هویت ملی"، یعنی احساس تعلق فرد به اجتماع بزرگ ملی، جامع‌ترین و مهمترین آنها است.

هویت ملی را می‌توان یک حس بالنده میان مردمی دانست که به‌طور طبیعی به یکدیگر تعلق دارند و از منافع مشترک، تاریخ مشترک و سرنوشت مشترک برخوردارند (Seruton, 1982: 213). هویت ملی مفهومی دو وجهی است که همزمان بر تشابه و تمایز دلالت دارد. بدین صورت که از یکسو با تأکید بر مشترکات و ملاک‌های پیوند دهنده، "ما" را پیرامون محوری واحد متحد و متعهد می‌کند و از سوی دیگر این "ما" را در مقابل "غیر" یا "دیگری" قرار می‌دهد و بدین صورت "ما" را در وجود تشابهات داخلی و تمایزاتش با "دیگری" شناسایی می‌کند.

تقویت هویت ملی در یک دولت - ملت، منجر به گسترش همبستگی و انسجام داخلی شده و در نهایت دولت را در سطح جهانی متکی به پشتوانه‌ای محکم و منسجم می‌کند تا ضمن تقویت نظم و امنیت داخلی، زمینه حضور فعال و منسجم به‌عنوان یک دولت - ملت واحد در عرصه جهانی را نیز فراهم نماید.

برای این هویت ملی، شاخص‌های مختلفی مطرح شده است. این شاخص و مؤلفه‌ها عبارتند از: ژئوپولیتیک یا جغرافیای سیاسی، تاریخ، سابقه فرهنگی، مذهب، زبان و ... که هر یک از متفکران بر یکی از این فاکتورها تأکید کرده‌اند. برخی بر نقش برجسته زبان تأکید داشته‌اند و زبان را به‌عنوان بدیهی‌ترین و مؤثرترین وسیله تفهیم و تفاهم و نیز مهمترین وسیله انتقال فرهنگ و هویت از نسلی به نسل دیگر می‌دانند. براساس همین نقش، وجود زبان مشترک را یکی از مهمترین مؤلفه‌های تقویت هویت ملی معرفی می‌کنند. گروهی با تأکید بر نقش مذهب در شکل‌دهی به انسجام ملی، بقیه فاکتورها را در مرتبه‌ای پایین‌تر از مذهب قرار می‌دهند. گروهی با تأکید بر نقش سرزمین مشترک، شکل‌گیری احساس یکپارچگی ملی را نتیجه بروز و ظهور این احساس در بین مردم ساکن در یک سرزمین مشخص می‌دانند و برخی با تکیه بر عناصر معنوی از قبیل آرمان‌ها، اعتقادات، باورها و ارزش‌های مشترک، وزن این عناصر را در شکل‌دهی هویت ملی منسجم به مراتب قوی‌تر از عوامل مادی می‌دانند.

به نظر می‌رسد که حضور این شاخص‌ها در شکل‌دهی به هویت ملی یک کشور امری نسبی است و در میان ملل مختلف، متفاوت می‌باشد. بر همین اساس اولین مسئله‌ای که در یک کشور باید مورد بررسی و شناسایی قرار گیرد، تعیین منابع هویتی و شاخص‌های شکل‌دهنده به هویت ملی آن است. این منابع ضمن اینکه در زمان‌های مختلف متفاوت است، همچون "فرهنگ" خصلتی فرازمانی و فرانسلی نیز دارد. یعنی از یکسو ریشه در گذشته مشترک و از سوی دیگر رو به آینده مشترک دارد؛ ضمن اینکه دو جنبه مادی و معنوی نیز می‌یابد. اسطوره‌های تاریخی، خاطرات مشترک و تاریخ یک کشور در کنار باورها، رسوم و اعتقادات آن در زمره عناصر معنوی، و سرزمین و موقعیت جغرافیایی، میراثی مادی هستند که تداوم آنها می‌تواند سبب تداوم هویت ملی شود.

در بررسی هویت ملی و نیز فرهنگ ملی در ایران که پیش زمینه بحث هویت است، نگاهی به پیشینه تاریخی کشورمان نشان از ریشه‌دار بودن فرهنگ و هویت ایرانی دارد. «استقرار پادشاهی ساسانی و دین زرتشتی به‌عنوان دین رسمی کشور، همراه با رسمیت یافتن اسطوره‌های دینی و قومی دربارهٔ آفرینش و تاریخ و جایگاه جغرافیایی ایران، پایه‌های اصلی هویت اقوام ایرانی را که در ایرانشهر زندگی می‌کنند، شکل داده بود» (اشرف، بی‌تا: ۱۷).

هر چند واژه «ایران» در زمان ساسانیان است که به‌عنوان یک مفهوم سیاسی بکار برده می‌شود، اما ورود اسلام به ایران آغازگر مرحله‌ای جدید در تاریخ هویت ایرانی بوده است. ایرانیان علیرغم پذیرش ارادی و آگاهانه آموزه‌های وحیانی اسلام، تلاش بسیاری در حفظ زبان فارسی به‌عنوان عامل هویت‌بخش ایرانی داشتند. برگزیدن تشیع به‌عنوان مذهب رسمی ایران در دوره صفویه، نقطه عطف هویتی دیگری برای ایرانیان به‌شمار می‌رود. با گذار از صفویه و ورود به دورهٔ مشروطه، محور مورد تأکید در هویت ملی بر «ملت ایران» قرار گرفت و در زمان پهلوی تلاش بسیاری برای احیای مفاهیم کهن مقوم هویت ملی شد و باستان‌گرایی پهلوی مؤلفه‌های دینی هویت ایرانی را نادیده انگاشت.

به این ترتیب در هر مقطعی تلاش شده که هویت ملی ایرانی با تکیه بر عنصر خاصی حفظ شود و در هر عصری شاهد برجسته شدن یکی از عوامل و مؤلفه‌های مقوم هویت ملی در کشورمان بوده‌ایم. اما به نظر می‌رسد آنچه هویت ملی را صیانت و تقویت می‌کند، پرهیز از یکسویه‌نگری و توجه همزمان به همه این مؤلفه‌هاست.

کشور ما ایران، علیرغم فراز و فرودهای تاریخی توانسته در عین برخورداری از مردمان مختلف، وحدت و هویت ملی خویش را حفظ و تداوم تاریخی - سرزمینی و هویتی‌اش را تضمین نماید. درواقع مؤلفه‌هایی چون زبان و مذهب و فراتر از آن احساس تعلق به ملت ایران به‌عنوان یک کل منسجم است که چنین استمرار تاریخی‌ای را رقم زده است. تقویت این احساس درونی است که باعث می‌شود افراد ساکن در سرزمین ایران و یا حتی افرادی که به هر دلیلی خارج از مرزهای جغرافیایی ایران ساکنند، صرف‌نظر از زبان، مذهب یا قوم و قبیلهٔ خود، خودشان را ایرانی بدانند.

البته هیچ‌گاه نباید نسبت به چالش‌ها و آسیب‌هایی که متوجه هویت ایرانی است غفلت ورزید؛ زیرا تضعیف این حس تعلق مشترک به یک ملت واحد در بین مردم و گروه‌های مختلف ساکن در کشورمان، منجر به رشد هویت‌های خردتر در سطح جامعه خواهد شد. ساختار فرهنگی - اجتماعی کشورمان ضرورت بررسی عالمانه این ساختار و مدیریت هوشمندانه و همه‌جانبه‌نگر آن را مضاعف می‌سازد تا در پرتو آن هویت ایرانی به‌طور فزاینده‌ای از بالندگی برخوردار شده و تلفیق پایایی و پویایی را به نمایش گذارد.

همچنین گسترش ارتباطات و تسریع روند جهانی شدن در سال‌های اخیر به عامل مؤثری در سمت‌گیری هویت ملی کشورها، از جمله ایران، بدل گردیده است. از این رو در هر گونه بحث علمی بایستی توجه به نقش جهانی شدن در تضعیف یا تقویت هویت ایرانی نیز با رویکرد حفظ انسجام ملی و تقویت همبستگی اجتماعی جدی انگاشته شود.

با چنین رویکردی و با توجه به اینکه سیاستگذاری در کشوری نظیر ایران نیازمند شناخت دقیق ابعاد هویتی افراد اجتماع است و تقویت هویت ملی به‌عنوان جامع‌ترین هویت در چهارچوب یک دولت - ملت جز با شناخت دقیق منابع و نیز مؤلفه‌های تشکیل دهنده آن امکان‌پذیر نمی‌باشد، تلاش شد که در چهارچوب کتاب حاضر با گزینش مقالاتی که تاکنون در این زمینه در فصلنامه مطالعات ملی به چاپ رسیده است، مجموعه‌ای با عنوان "درآمدی بر فرهنگ و هویت ایرانی" ارائه شود. در گردآوری و تنظیم مجموعه حاضر، محورهای ذیل مورد توجه بوده‌اند:

- ۱- مفهوم هویت ملی و فرهنگ ملی
- ۲- مفهوم هویت ملی ایرانی
- ۳- بررسی تاریخ هویت و فرهنگ ملی ایران
- ۴- شناخت مؤلفه‌های تشکیل دهنده هویت ملی ایرانی
- ۵- بررسی ابعاد هویت ملی ایرانی به‌ویژه بعد سیاسی
- ۶- بررسی نقش و دیدگاه نخبگان علمی و حاکم درباره فرهنگ و هویت ملی در ایران
- ۷- محدوده مرزهای هویت و فرهنگ ایرانی
- ۸- تهدیدات، فرصت‌ها و نیز کاستی‌ها و نقاط قوت فرهنگ و هویت ملی ایران

براین اساس ابتدا مقالاتی آمده است که گستره تاریخی و جغرافیایی فرهنگ و هویت ایرانی را مورد بررسی قرار می‌دهند، سپس ویژگی‌ها و مؤلفه‌های پایا و پویای فرهنگ و هویت ایرانی در چند مقاله مورد بررسی قرار گرفته و در نهایت دیدگاه تاریخ‌نگاران و روشنفکران در این زمینه بررسی شده است. وجه اشتراک همه مقالات در ارائه تعریفی بنیادین از هویت و تقسیم‌بندی آن به دو بعد فردی و جمعی است. بر این اساس هویت را به معنای "هستی"، "وجود" و "کیستی" یک فرد و نیز عامل شناسایی آن معنی می‌کنند و هویت ملی را جامع‌ترین و فراگیرترین نوع هویت جمعی می‌دانند.

دیگر اینکه فرهنگ ملی به‌عنوان پشتوانه و اساس هویت ملی مطرح است. فرهنگی که دارای دو جنبه مادی و معنوی است و در برگیرنده زبان، ادبیات، تاریخ، نمادها، اسطوره‌ها، باورها و اعتقادات یک ملت است که از گذشته مشترک و نسل‌های قبل ریشه گرفته، به نسل امروز رسیده و از طریق آن به نسل‌های آینده منتقل خواهد شد.

اعتقاد به سیالیت و پویایی فرهنگ و هویت ملی و تعامل آن با دیگر فرهنگ‌ها و هویت‌ها از دیگر محورهای مشترک است. هر چند فرهنگ و هویت ایرانی ریشه‌های تاریخی دارد، اما اینگونه نبوده که به‌صورت یک میراث لایتغیر به ما رسیده باشد. بررسی تاریخچه آن نشانگر تأثیرات بسیار از شرایط زمان و نیز فرهنگ‌های وارد شده به سرزمین‌مان است. مؤلفه‌هایی که به‌عنوان عوامل شکل‌دهنده به هویت ملی مطرح هستند نیز اغلب با تأکید بر زبان، فرهنگ، مذهب، سرزمین و جغرافیای سیاسی، گذشته تاریخی و نمادهای مشترک مورد بررسی قرار گرفته و معمولاً با برجسته نمودن نقش یکی از این عوامل و نیز عوامل معنوی نظیر احساس تعلق و پیوستگی یک ملت، بررسی شده‌اند.

محور اولین مقاله با عنوان "هویت ملی ایرانی در گستره تاریخ" بررسی جایگاه تاریخی هویت ملی در ایران است. بر این اساس نویسنده به دنبال پاسخ به این سؤال است که آیا هویت ملی ایرانی محصول دوران مدرن است و یا از ریشه‌های کهن‌تری در تاریخ و فرهنگ و سرزمین ایران برخوردار است؟ در حقیقت آیا باید هویت ملی ایرانی و ملت و ملت ایرانی را پدیده‌ای کهن و ذاتی در نظر گرفت یا برساخته مفاهیم گفتمانی و سازمان اجتماعی متعلق به دوران مدرن؟

پاسخ نویسنده به این سؤال این است که هویت ایرانی محصول گفتمان‌های مدرن قرن بیستم نیست، بلکه ریشه در تاریخ کهن این سرزمین دارد. برای اثبات این نکته، نگارنده پس از بررسی مفهوم هویت ملی و پی‌گیری ریشه‌های هویت ملی ایرانی در تاریخ پیشین این کشور، با استناد به منابع تاریخی ایرانی و غیرایرانی، از وجود پدیده‌ای به نام "ایران" به‌عنوان یک موجودیت منسجم تاریخی، فرهنگی، تمدنی و برخوردار از تداوم تاریخی، سخن به میان آورده و بدین ترتیب با روش جامعه‌شناسی تاریخی، ریشه‌های کهن هویت ایرانی را اثبات و این دیدگاه را که هویت ایرانی محصول گفتمان‌های مدرن قرن بیستم است، رد می‌کند.

وی برای اثبات ادعای خود به ذکر شواهدی از آثار و متون کهن تاریخی و کلاسیک قبل و بعد از اسلام می‌پردازد که در همه آنها، ایرانیان به‌عنوان پدیده‌ای برخوردار از ویژگی تمدنی، تاریخی، فرهنگی و سیاسی بوده‌اند. مهمترین شاخصه این هویت ویژه ایرانی در تداوم سرزمینی، فرهنگی و هنری است که علی‌رغم گسست‌های کوتاه تاریخی، از عصر باستان تا به امروز همچنان باقی است.

"حوزه جغرافیایی فرهنگ و تمدن ایرانی" عنوان دومین مقاله است که با بررسی سرزمین‌های متأثر از فرهنگ و تمدن ایرانی، در پی اثبات این نکته است که مرزهای تمدن ایرانی بسیار فراتر از مرزهای رسمی امروز کشورمان است، به این دلیل که فرهنگ کهن ایرانی بسیار پیش‌تر از مرزبندی جغرافیایی رسمی کنونی کشور و ملت ایران شکل گرفت و در طی یک دورانی چند هزار ساله، پهنه وسیعی از جهان متمدن را در برمی‌گرفته است؛ به‌گونه‌ای که از آسیای صغیر تا بین‌النهرین و هند و آسیای میانه را تحت تأثیر خود داشته است. وی زبان حامل این فرهنگ را در سراسر جغرافیای مذکور، زبان فارسی معرفی می‌کند و معتقد است آنچه باعث شده ملت ایران علی‌رغم همه شکست‌های سیاسی و مذهبی دوران تاریخی خود، همچنان فرهنگ و تمدن و نیز همبستگی و وفاق ملی خود را حفظ کند، عناصری چون زبان فارسی، دین اسلام، ادبیات و احساس تعلق به سرزمین مشترک در بین همه اقوام و خرده‌فرهنگ‌های ایرانی است.

یکی از مهمترین مسائلی که ایرانیان مقیم خارج از کشور با آن مواجهند چگونگی حفظ هویت و فرهنگ ایرانی خود به‌ویژه در نسل‌های جدید متولد شده در خارج از کشور است. ایرانیان ساکن در دیگر کشورها هر چند در چهارچوب مرزهای ایران سکونت ندارند، اما همواره تعلق خود به فرهنگ و هویت ایرانی را حفظ کرده‌اند. بزرسی مسائل این گروه از هم‌وطنان به‌ویژه مسئله حفظ فرهنگ و هویت ملی؛ دغدغه اصلی متفکرین و صاحب‌نظران ایرانی مقیم خارج است؛ هر چند در درون کشور کمتر به آن پرداخته شده است. به دلیل اهمیت موضوع، سومین مقاله این مجموعه به "فرهنگ و هویت ایرانی در فراسوی مرزها" اختصاص یافته است. در این گفتار ضمن تشریح مفهوم هویت ملی در ایران و بررسی مؤلفه‌های آن به‌ویژه "زبان فارسی"، به تحلیل و بررسی هویت فرهنگی ایرانیان خارج از کشور پرداخته شده است. بحث اساسی این گفتار که تحت سه عنوان "هویت ملی و زبان"، "نقش نخبگان در هویت ملی" و "هویت فرهنگی ایرانیان خارج از کشور" ارائه شده، این است که سه پایه هویت ملی در ایران را شامل "هویت پیش از اسلام"، "هویت اسلامی" و "برخورد ایران با تجدد غربی" می‌داند.

در بحث هویت ایرانیان خارج از کشور، با این مقدمه که دور بودن از وطن، به شکل طبیعی، هویت ایرانیان را تغییر داده است، سؤال مطرح برای این گروه این است که به‌عنوان یک اقلیت به حفظ هویت خود بپردازند یا در هویت و فرهنگ غالب کشور محل سکونت جذب شوند؟

اگر پیروزی انقلاب اسلامی را بزرگترین رویداد تاریخ معاصر ایران پس از دوره مشروطه بدانیم، امام‌خمینی نیز به‌عنوان بزرگترین و مؤثرترین چهره این انقلاب شناخته شده است که آراء و اندیشه‌هایش بنیان و اساس نظام ایجاد شده در پی انقلاب بود؛ نظامی کاملاً متفاوت با نظام شاهنشاهی که از ابتدای تاریخ پیدایش هویت ایرانی همواره جزئی از آن محسوب شده است، لذا بررسی دیدگاه ایشان درباره مفهوم "هویت ملی" که محور کار چهارمین مقاله این مجموعه است از این لحاظ دارای اهمیت بسیاری است.

در یک جمع‌بندی می‌توان چنین بیان کرد که امام‌خمینی "ملت" را به‌عنوان یک واقعیت اجتماعی - سیاسی پذیرفته و تشکیل هویت ملی براساس آن را امری بدیهی

می‌داند، اما با تأکید بر واحد کلان‌تر "امت"، هویت اصیل و با دوام را هویتی می‌داند که مبتنی بر مؤلفه‌های فرهنگی و اعتقادی باشد. امام‌خمينی فرهنگ را اساس يك ملت می‌داند و فرهنگ ایرانی را متشکل از اسلام می‌داند که عنصر اصلی هویت ملی ایرانیان است.

بررسی هویت ملی در ابعاد هفت‌گانه اجتماعی، تاریخی، جغرافیایی، سیاسی، مذهبی، فرهنگی و زبانی محور پنجمین مقاله این مجموعه با عنوان "تحلیل جامعه‌شناختی هویت ملی در ایران و طرح چند فرضیه" است که هویت ملی ایرانی و چالش‌های موجود بر سر راه آن را در تمامی این ابعاد بررسی کرده است. نویسنده چنین نتیجه می‌گیرد که علی‌رغم وجود این چالش‌ها و مسائل، هویت ملی ایران در معرض اضمحلال یا نابودی و فروپاشی قرار ندارد. ضمن اینکه میزان تهدیدات و چالش‌ها در ابعاد مختلف و نیز در مناطق مختلف ایران متفاوت است.

مقاله "فرهنگ سیاسی و هویت ملی" در پی این است که ضمن بیان نحوه پیدایش و اجزای تشکیل دهنده فرهنگ سیاسی، به بررسی جایگاه هویت و نقش آن در فرهنگ سیاسی پردازد و سپس ویژگی‌های فرهنگ سیاسی ایران و غرب را بررسی کند.

مطابق دیدگاه نویسنده مقاله، یکی از مؤلفه‌های اصلی شکل‌دهنده به فرهنگ سیاسی يك ملت، هویتی است که آن ملت برای خود قایل است؛ هویتی که اکنون در ابتدای قرن بیست و یکم در معرض تهدید و تغییر می‌باشد. وی معتقد است که جهانی شدن منجر به ظهور گونه‌ای جدید از هویت‌طلبی می‌شود که از آن به "قبیله‌گرایی" تعبیر می‌کند و این امر هویت ملی مبتنی بر دولت - ملت را به چالش کشیده است.

تأثیر فرایند جهانی‌شدن، همراه با تغییرات ساختاری، در مقاله "تأثیر تغییرات ساختاری و جهانی‌شدن بر فرهنگ سیاسی ایران" نیز مورد توجه قرار گرفته است. در این مقاله، گذار تدریجی از فرهنگ سیاسی تبعی به فرهنگ سیاسی مشارکتی - دموکراتیک در دوران بعد از انقلاب اسلامی مورد توجه قرار گرفته است. تحولات ساختاری با شاخص‌هایی نظیر رشد جمعیت، سواد، مراکز آموزش عالی، ارتباطات، رشد نسبی اقتصادی، حمل و نقل و... در دهه دوم انقلاب از یک‌سو و انقلاب ارتباطات و جهانی‌شدن سیاسی و فرهنگی از

سوی دیگر، منجر به تحول فکری و آگاهی‌های سیاسی و اجتماعی در ایران شده و بر این اساس شاهد گذار تدریجی از فرهنگ سیاسی تبعی به فرهنگ سیاسی مشارکتی - دموکراتیک در ایران هستیم.

در این مقاله الگوی آلموند و پاول در سه سطح سیستم، فرایند و سیاستگذاری برای تحلیل تحول فرهنگ سیاسی در ایران مورد استفاده قرار گرفته است. به زعم نویسنده، در حال حاضر مراحل اولیه فرهنگ سیاسی مشارکتی در ایران سپری شده است، اما نهادهای شدن آن نیازمند رفع آسیب‌پذیری‌های سیاسی - اجتماعی، برقراری تعادل بین توسعه سیاسی و توسعه اقتصادی و مهم‌تر از آن درونی شدن ارزش‌ها و مفاهیم مدنی جدید در اذهان مردم و کاربست واقعی آزادی و رعایت قانون و حقوق دیگران است.

بررسی آثار به جای مانده از مورخین ایرانی و جست‌وجوی نشانه‌های وجود هویت ایرانی در این آثار، محور کار مقاله "تاریخ‌نگاری ایرانی و هویت ملی" است که ضمن بیان چگونگی شکل‌گیری این هویت و مؤلفه‌های اصلی آن و نیز سیر تحولات و دگرگونی‌های آن در طول زمان، به نقش تاریخ و تاریخ‌نگاری ایرانی در حفظ و احیاء و نیز تحول هویت ملی ایرانی پرداخته است. وی دوره‌های تاریخ‌نگاری ایرانی را به ۳ دوره تقسیم کرده است که هر دوره ویژگی‌های خاص خود را داراست. از جمله محور آثار مورخین در دوره اول که آن را تاریخ‌نگاری باستانی می‌نامد، صرفاً نگارش رفتار و زندگی پادشاهان باستانی ایران و شرح وقایع و جنگ‌ها و پیروزی‌ها و شکست‌های آنان است. دوره دوم دوره ورود اسلام به ایران است که منجر به شکل‌گیری هویت ایرانی - اسلامی گردید و دوره سوم دوره ورود فرهنگ غرب از ابتدای قرن ۱۲ است که بحث تجدید را وارد مباحث هویت ملی نمود.

"روشنفکر ایرانی و معمای هویت ملی" با بیان این مقدمه که مفهوم "هویت ملی" پدیده سیاسی و اجتماعی عصر جدید است، اما بنیان‌های آن در تاریخ گذشته قرار دارد، به بررسی تاریخ شکل‌گیری آن در ایران از انقلاب مشروطیت تا انقلاب اسلامی می‌پردازد و تلاش می‌کند تا برخی وجوه اقدامات انجام شده جهت هویت‌سازی از انقلاب مشروطیت

تا انقلاب اسلامی را بررسی کند. محور بارز در هویت‌یابی عصر مشروطه، مفهوم "ملت ایرانی" است که از یک طرف با تأکید مجدد بر "ایرانیت" و از طرفی با تأکید بر مفاهیم برگرفته از غرب و مدرنیته همانند "امنیت"، "ملت"، "وطن"، "آزادی"، "دموکراسی"، "جمهوریت" و "مشروطیت" شکل می‌گیرد.

مقاله با تأکید بر اینکه هویت انسان ایرانی همواره بین سه گفتمان "ایرانیت"، "اسلامیت" و "غربیت" در نوسان بوده، این سه گفتمان غیرقابل جمع را عامل تعویق شکل‌گیری هویت نوین ایرانی در مشروطه می‌داند و معتقد است که انقلاب اسلامی توانسته طی یک فرایند تاریخی با وصل کردن خود به ریشه‌های تاریخی مشخص، هویتی نوین را براساس ارزش‌ها و آموزه‌های دینی شکل دهد.

امید است که انتشار این مجموعه بتواند سهم خود را در شناسایی هویت پایا و پویای ایرانی در عصر تغییرات شتاب‌آلود فرهنگی ایفا نموده و به تقویت همبستگی ملی و انسجام اجتماعی مدد رساند تا براین اساس زمینه ماندگاری و بالندگی کشور و بازیگری مقتدرانه در عرصه جهانی بیش از پیش مهیا شود.

زمستان ۱۳۸۳

مریم صنیع‌اجلانی